

## نمود نوستالژیک در روایت مم و زین

پ.ی.د. جهاد شوکری رشید  
پ.ی.د. رحیم قادر سورخی  
دانشگاه صلاح الدین  
گروه زبان فارسی گروه زبان کردی

### چکیده

یکی از راه‌های کارا و سودمند برای آشنایی بیشتر با آثار شاعران، بررسی سروده‌ها با رویکرد نوستالژیک است. در این مقاله، با چهره شاعرانه احمدخانی از منظر نوستالژیک آشنا خواهیم شد. وی در اثر گرانسنگ خویش، گاه به طور مستقیم و گاه به طور غیرمستقیم از زبان شخصیت‌های داستانی خویش، از دیدگاهی انسانی و اجتماعی سخن می‌راند و با مایه گذاشتن از «من شخصی»، به «من اجتماعی» می‌پردازد و از یک سو، به دلیل آگاهی ژرف از فرهنگ و زبان کردی و از سوی دیگر، به دلیل توانمندی و ذوق هنری قادر است اندیشه‌ها و ادراکات عمیق خویش را، در بیانی دلپذیر و کارساز به گونه‌ای تأثیرگذار عرضه نماید که اشکال و ابعاد از درمندی، حسرت و دلتنگی را به شعر خویش به نمایش بگذارد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش شناسایی عوامل گوناگون تأثیرگذار بر اندیشه و ذهن شاعر در رویکرد نوستالژیک وی با توجه به سروده مم و زین با ذکر نمونه‌ها و مصادیق شعری است.

**واژه‌های کلیدی:** نوستالژی، مم و زین، احمد خانی، نوستالژی خاطره فردی، نوستالژی خاطره جمعی

## ۱. مقدمه

نوستالژی اصلاحی روانشناختی و رفتاری ناخود آگاه است که در شاعر یا نویسنده بروز می‌کند. این احساس عمومی زمانی آشکار می‌گردد که فرد در ذهن خود به گذشته رجوع کند و با مرور آن دچار نوعی حالت غم و اندوه شود (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۹۵) به گونه‌ای که این حالت به عنوان یکی از جنبه‌های روانی انسان، در سرشت آدمی نهفته است که به صورت ناخود آگاه در وجود آدمی بروز کرده و متجلی می‌شود که در واقع یک احساس طبیعی و غریزی در میان انسانهاست. (شریفیان، ۱۳۸۶: ۵۲) ناکامی‌ها و حسرت و مشقت حیات ملت کرد این فرصت را به ذهن خانی می‌دهد که به گذشته بازگردد و حسرت خود را از آن نشان دهد و تا اینکه بخشی از مضمون شعر خود را به اندیشه‌های نوستالژیک اختصاص دهد. وی هیچ‌گاه از وضع موجود، و احوال زمانه خویش راضی نبوده است و به نوعی با این دل‌تنگی‌ها روزگاری قرین بوده است. از اینرو، احمد خانی از جمله شاعرانی است که شعرش با دغدغه‌های نوستالژیک همراه بوده است که حسرت از دسترفته‌های او و شکایت از زمان حال در تقابل با گذشته است. در این مقاله سعی نگارندگان بر آن بوده است تا به شیوه تحلیلی - توصیفی به بیان برخی از مؤلفه‌های نوستالژی فردی و جمعی در مثنوی مم و زین پرداخته شود. البته عوامل فراوانی زمینه ساز ایجاد این حس در ذهنیت احمد خانی شده است که به آن اشاره خواهد شد. چنانچه نتایج حاصل آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل عوامل سیاسی و اجتماعی در برابر ملت کورد و زندگی توأم با غم و رنج باعث ایجاد نشانه‌های فراوانی از احساس دل‌تنگی و غربت در اندیشه او شود که در حقیقت پناه بردن به ناکامی در عشق و شور و شوق بازگشت به فضای معنوی، از مهم‌ترین دلایل مطرح شده می‌باشد که در ادامه این پژوهش بدان اشاره خواهد شد.

## ۱.۱ هدف پژوهش

هدف از این نوشتار، بهره‌بردن از بنمایه‌های نوستالژی در مثنوی مم و زین و ارائه تصویری دقیق و جامع از حس نوستالژی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اندیشه و ذهنیت احمد خانی در گرایش و رویکرد او به مباحث نوستالژیک بوده است که در این راستا سعی بر آن بوده تا با ذکر نمونه‌ها و مصادیق شعری این شاعر بتوان در پایان پژوهش به یافته‌های جدید و نکاتی بدیع دست یافت.

## ۱.۲ پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش‌هایی که پژوهش حاضر در راستای پاسخ به آنها به رشته تحریر درآمده است، عبارتند از: الف) چه نوع بینش نوستالژیکی در اشعار احمدخانی یافت می‌شود و چه عواملی باعث گرایش او به کاربرد مفاهیم و مؤلفه‌های نوستالژیک

در اشعارش شده است؟ ب) کدام یک از خاطرات فردی و جمعی در مثنوی «مم و زین» بسامد بیشتری دارد؟  
 فرضیه های پژوهش نیز عبارتند از: ۱- احمد خانی در شعر خویش توجه خاصی به نوستالژی نسبت به وطن و میهن داشته است. ۲- شاعر در قالب استفاده از طرح بیان روایت داستانی خود از مضامین مشترک و اسوه ها و نمادها سود جسته و این مطالب را به بیانی زیبا و بجا ابراز بیان نموده است.

### ۱.۳ پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت؛ تا کنون پژوهشی که به بررسی فرایند نوستالژی در آینه‌ی منظومه مم و زین بپردازد، هنوز به رشته تحلیل و پژوهش درنیامده است، از اینرو اهمیت چنین موضوعی محقق را به نوشتن چنین تحقیقی، تحریض و ترغیب نمود.

### ۱.۴ روش تحقیق

پژوهش حاضر با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره می‌برد؛ بدین ترتیب که ابتدا منابع پیرامون نوستالژی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه، با این رویکرد به تحلیل و واکاوی نوستالژی فردی و اجتماعی در مثنوی مم و زین پرداخته می‌شود.

## ۲. مبانی نظری و بحث

### ۲.۱ نوستالژی

واژه نوستالژی در اصل از زبان یونانی مشتق شده است. با دو ریشه «nostos» به معنی «بازگشت به خانه و یا به سرزمین مادری» و «algos» که به «درد، رنج، یا غم و اندوه» اشاره دارد (Hombey, 2003: 840). بر اساس معنای یاد شده از نوستالژی می‌توان گفت که نوستالژی ارتباط تنگاتنگی با ادبیات داشته است. چنانچه «نوستالژی در ادبیات رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر یا نویسنده، بروز کرده و تجلی می‌یابد. روان انسان ادبیات را می‌سازد و ادبیات روان انسان را می‌پروراند. دریافت‌های روانی انسان به جنبه‌هایی از حیات طبیعی و انسان نظر می‌کند و بن‌مایه‌های آفرینش ادبی را فراهم می‌آورد» (شریفیان، ۱۳۸۹: ۲۹). تا آنجا که می‌توان به صراحت گفت که نوستالژی درونمایه بسیاری از آثار مهم ادبیات جهان قرار گرفته است. در بررسی‌های ادبی، نوستالژی را به دو گونه شخصی و اجتماعی تقسیم می‌کنند. بر پایه نوستالژی شخصی شاعر یا نویسنده به دوره‌ای از زندگی فردی خویش نظر دارد اما در نوستالژی اجتماعی، موقعیت اجتماعی ویژه فرد برایش حایز اهمیت است. (شاملو، ۱۳۷۵: ۱۱)

## ۲.۲ مؤلفه های نوستالژی در مثنوی مم و زین

از آنجایی که نوستالژی در پیوند با خاطره، تاریخ و اسطوره معنا پیدا می‌کند و این همه بر پایه آگاهی است. لذا می‌توان گفت که انسان حسرت زده انسانی است آگاه. که با در نظر داشتن این اصل، و با نگرش به گستره وسیع روایت مم و زین می‌توان فریادها و گاه، مویه های روح حسرت زده را از ورای سطرها و ابیات آن احساس کرد. مؤلفه های نوستالژی در مثنوی مم و زین شامل نوستالژی فردی و جمعی می‌باشد که در این پژوهش به بررسی این مشخصه ها و بازتاب و تأثیر آن در اندیشه خانی در احساس نوستالژیک وی پرداخته می‌شود و هر یک از جلوه های نوستالژی فردی و جمعی در روایت مذکور در معرض دید خواننده قرار خواهد گرفت.

## ۲.۲.۱ نوستالژی خاطره فردی

از جمله مؤلفه های خاطره فردی که می‌توان در مثنوی مم و زین مشاهده نمود حاکی از عشق و احساسات عاشقانه، مرگ اندیشی، حسرت دوران گذشته، غم غربت و آرزوی بازگشت به فضایی سرشار از معنویت، نوستالژی عارفانه و دلتنگی برای گذشته ای است که سپری شده و شاعر در آرزوی بازگشت به آن است. در مقاله دسترس به هر کدام از این موارد بر اساس شواهد و مصادیقی که در سرورده مم و زین است؛ ذکر و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲.۲.۲ عشق و احساسات عاشقانه

در حقیقت «عشق ورزیدن و یژگی خاص دنیای انسان هاست که از آغاز آفرینش تاکنون با جلوه های رنگارنگ، نامکرر و دلنشین خود، رنج حیات را برای انسان تحمل پذیر کرده است.» (مختاری، ۱۳۷۷: ۶۸) از نظرگاه خانی، کسی نیست که عشق بر او تأثیر نکرده باشد:

کس نینه ژ عیشقی بی ئه‌ته‌رت مومکین کو ژ ده‌وقی بی خه‌به‌رت  
 هه‌ر کس ب قیاسی هی‌مه‌تا خوه دی صه‌رف بکته ئیراده‌تا خوه

(م، ۲۰۰۸: ۲۴۳)

آنکس که ز عشق بی‌اثر بی ذوق ز شادی بیخبر بود

هرکس به قیاس همت خویش خود صرف کند ارادت خویش

(م، ۲۰۱۲: ۳۰۸)

عشق و زندگی عاشقانه همه خاطرات فردی است که تکرار آنها به سبب نارضایتی از وضع موجود است و منجر به حس دلتنگی می‌شود. (عباسی و فولادی، ۱۳۹۲: ۴۸) اما خانی عشق را فراتر از عشق فردی دانسته و به سبب نارضایتی وی از وضع موجود در برابر ملت کرد آن را به ملت خویش مختص و وانمود می‌نماید:

هم نه هلی نه ظه ر نه بین کو  
عیشقی نه کرن ژ بو خوه ئامانج  
کورمانج

(م ، ۲۰۰۸ : ۴۶)

تا اهل نظر به ما  
نـگـوینـد  
کردان ره عاشقی  
نپویند

(م ، ۲۰۱۲ : ۳۱)

یکی از ابعداد نوستالژیک روایت مم و زین که منجر به حس دل‌تنگی می‌شود، در اصل عدم وصال عشق مم و زین است. عدم وصال عشق مم و زین یکی از موضوعاتی است که سبب شده شاعر با حسرت و اندوه از آن یاد کند زیرا خانی از زبان «مم» و حالت پیش‌آمده برای او، می‌خواهد بفهماند که عشق آثاری در جسم و دل و جان بر جای می‌گذارد و آتش عشق با ملامت و سرزنش ملتهبتر و فروزانتر می‌گردد:

عیشق ئاگره نه فحیه نه صیحه ت  
سیر په رده یه لهومه یه فه ضیحه ت

(م ، ۱۹۶۲ : ۱۰۳)

عشق آتش و نفخه اش نصیحت  
فـضیـحـت  
از پرده دري کـنـد

(م ، ۲۰۱۲ : ۱۴۵)

لحن مایوسانه احمق خانی در سخن او نشان از دردی است که از هجران بیان می‌کند زیرا در واقع اراده و نیروی عشق و درد است که در تلاش و حرکت آرام ناپذیر و سلامت گریز خود، پیمودن مسیر خطرناک و ناهموار عشق را میسر می‌سازد. چنانچه از نگاه خانی طی طریقت کردن در راهی نامعلوم تنها با عشق و درد امکان پذیر است، اما حضور عشق و درد، سبب غیبت عقل می‌شود؛ بنا به باور عرفانی، تا عشق، به میدان هستی گام نهد، عاشق هرچه دارد، یکجا در پای عشق خویش در خواهد باخت:

چاشی دمه می کودین رووی زین  
مفت دانه ژ دهست خوه فیل و

فهرزین

(م ، ۲۰۰۸ : ۱۷۷)

چشمش چو فتاد به  
چهره زین  
مفت داد ز دست فیل و  
فرزین

(م ، ۲۰۱۲ : ۱۰۶)

زیرا عشق او عشقی است حقیقی نه مجازی و نشان از کمال و پختگی است. عشقی است الهی:

عیشق ئایینه یی خودا نومایه  
خورشید صیفه ت خودان ضیا یه

غافل مهبه عیشقی فیلحه قیقه  
ئهی ره هره وی ئه قره بوطه ریقه

(م ، ۲۰۰۸ : ۲۴۲)

عشق آینه خـدا  
نمایم  
خورشید صفت ید و ضیایم

غافل مشو، عشق فی  
الحقیقه  
باشد ترا اقرب الطریقه

(م ، ۲۰۱۲ : ۳۰۸)

و در جای دیگر در این باره چنین اظهار بیان می نماید :

خانی کو ژ جامی عیشقی دین بوو      ئەو شوّره شه‌راب پی شیرین بوو

ئەف چەندە قەخوار ئەوی نەهشیار      ئاگاه نەمائەوی ژ گوفتار

(م ، ۲۰۰۸ : ۲۴۱)

خانی ك ز جام عشق شید است      تلخی شراب او

گوار است

نوشتید ز بس جام      از گفته خود نبود

دلخواه

آگاه

(م ، ۲۰۱۲ : ۲۰۶)

خانی بر این باور است که با مرگ عشق، زندگی به پایان می‌رسد و مهربانی و محبت نیز دیگر جایی در زندگی بشر نخواهد داشت.

کەس نینە ژ عیشقی بی ئەثرەت      مومکین کو ژ دەوقی بی خەبەرەت

(م ، ۲۰۰۸ : ۲۴۳)

آنکس که ز عشق بی اثر      بی ذوق ز شادی بی خبر

بود

بود

(م ، ۲۰۱۲ : ۳۰۸)

وی با توصیف زمانه خود، به از بین رفتن آرامش روحی اشاره می‌کند و در تمنای دنیایی معنوی به سر می‌برد تا با خداوند لحظاتی را سپری نماید.

### ۲.۲.۳ مرگ اندیشی

مرگ و یاد کرد آن یکی از الگوهای فکری احمدخانی است که در داستانش آن را به تصویر کشانده است البته از نگاه خانی آفرینش و پدیده‌های آن معمایی است بین خیال و خواب:

ساقی وەرە بیژە من چلەونە      ئەف کەونە خەیاڵە یان خەونە!

ئاغاز ئەگەرچی رەنگ حەیاتە      ئەنجامی حەیاتئ وی مەماتە

(م ، ۲۰۰۸ : ۲۴۲)

ساقی بیا گو که این چه      این کون خیال یا که خواب

آب است

آب است

یعنی که وجود بی وجود      زیباست و لیک بی خلود

است

است

(م ، ۲۰۱۲ : ۳۱۰)

مرگ به عنوان یکی از مؤلفه‌های نوستالژیک در شکل به خصوصی در سخن وی نمود یافته است. چنانچه «مرگ ارادی» یکی از پارادایم‌های فکری خانی است که در کلامش آن را به تصویر کشیده است. چنانچه در روایت مم و زین « اشتیاق رهیابی به بارگاه فنای حق در حق و آگاهی از رمز و راز عشق طاقت مم را طاق می‌کند و او که این سفر جان و روحانی را نه به پای جسم که به طی روح و دل پیموده است، فنا را بهترین و امن‌ترین جایگاهها برمی‌گزیند تا عشق را به کمال رساند، از این رو، پادشاهی امیر « زین‌الدین » را مجازی می‌خواند و آرزو می‌کند که زود این جهان را برای همیشه

ترک گوید و به نزد خدای مهربان باز گردد. چون به چنان تکاملی دست یافته که این جهان زودگذر را پست تر از آن ببیند که در آن ازدواج بکند؛ لذا وصالشان را به سرای باقی می‌برد و تا مقام فنا پیش می‌رود. زیرا در وادی فنا است که عارفان و اهل تصوف همواره تن و جسم را به منزله قفسی دانسته اند که همچون سدی در برابر رسیدن روح به عالم معنی و مینو است. راه رهایی از قفس تن را نیز مرگ، نیستی و فنا گفته اند و همواره به تهذیب روح و جان خویش پرداخته و فنا و موت اختیاری را برگزیده اند، همانطور که «مم» دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که زود به بارگاهش برگردد.

دهستی خواه ژقه‌یدی گل کشاندن  
 چه‌نگی د دلّی خواه راه‌شانان  
 شه‌باز ژقه‌یدی مهرکه‌زا‌فرش  
 په‌رواز کر و گه‌هیشته ذیل عرش  
 (م ، ۲۰۰۸ : ۲۲۱)  
 وقتی که بکرد دعای آخر  
 بگشود در سرای  
 آخر  
 شه‌باز ز قید مرکز فرش  
 پرواز بکرد و رفت تا  
 عرش  
 (م ، ۲۰۱۲ : ۲۸۱)

با این سخنان جان «مم» به یکباره، قالب تن را رها می‌کند و به جانان می‌پیوندد و به سوی معشوق ازلی خویش می‌شتابد و از اینرو، فنای عاشق در مرگ متعالی مم دیده می‌شود. به بیانی ساده‌تر؛ مرگ ارادی «مم» در پایان روایت، فنای نمادین او در پایان طریقتی است که عاشق را به وحدت با معشوق لایزال می‌کشاند و وی را به بقای حقیقی و وحدت در سراپرده‌ی وصال می‌رساند. به گونه‌ای که در پایان داستان «مم و زین» نیز، «زین» هم به یک عارف واصل بدل می‌شود و از حجاب جسم می‌رهد، «زین»، بی‌قرار از طلب معشوق با موتی که یادآور موت ارادی است، بر سر خاک «مم» جان می‌بازد و این ادعا ثابت می‌شود که «مم» نه تنها در نگاه تأویلی، بلکه در اندیشه‌ی بنیادین خانی، در پی وصال عرفانی و وحدت با معشوق در عالم معنا است که نهادن «زین» در گور «مم»، تصویر نمادین چنین وحدتی در کمال عشق است، آنجا که «زین» خطاب به «میر» می‌گوید:

وه‌ختی دمرم بدی تو ده‌ستور  
 دا من بکرن دگهل وی مه‌ستور  
 من ژالی وی دهر ب دهر نه‌گیری  
 بی‌په‌رده دگهل وی من قه‌شیری  
 (م ، ۲۰۰۸ : ۲۱۲-۲۱۳)  
 در مرگ منم بده تو  
 با وی تا شوم بگور  
 دستور  
 ما را تو بدون پرده  
 بنشان و برو شکار کن  
 گور  
 (م ، ۲۰۱۲ : ۲۷۰)

در واقع خانی این نکته را متذکر می‌شود که سالک نباید بیمی از فنا داشته باشد، که این فنا خود مایه بقا و وصال سرمدی است که دیگر جدایی و فراق در آن جایگاه متصور نیست. عشق هر چند که در آغاز کار مرارت و سختگی-های فراوانی به همراه دارد ولی در آخر امر، بهترین وسیله رفتن و عروج به سوی خداوند و معشوق حقیقی است.

### ۲.۲.۴ حسرت دوران گذشته

بعدی دیگر از نوستالژی شعری خانی مربوط به دلتنگی و حسرت برای گذشته و روزگار سپری شده است، روزهایی که پی در پی می‌گذرند و زمینه دلتنگی او را فراهم می‌سازند. حس دردمندی در پس مضامینی چون گذر روزها، سپری شدن لحظات، غم و اندوه منتج از گذر زمان، تلخی های حیات، اندوه زیستن، تیرهای سهمگین زندگی و بار سنگین رؤیاها و آه‌ها و دردها حضور دارد. خانی گاه به پیوند ابعاد عاطفی و احساسی کلام با مضامین اجتماعی این مضمون را قوت بیشتری می‌بخشد که در بخش خاطرة جمعی آن نیز پرداخته می‌شود. توصیف روز نوروز که شاعر در حسرت دوباره دیدنشان است، در شعر وی دلتنگی عمیقی نشان می‌دهد. نوروز مثل آن روزی است که نهال عشق کاشته می‌شود و طالب و مطلوب و محب و محبوب در حسرت دیدار یکدیگرند:

رؤژا کو دبوویه عیدئ نه‌ورؤز ته‌عظیم ژبوّده‌ما دلئ‌ه‌فروز  
..له‌ورا کو ئه‌وان غه‌ره‌ض ژگه‌شتئ مه‌قصوود ژچونیبیا ب

ده‌شتئ

ئه‌وبو کو چ طالب و چ مه‌طلووب یه‌عنی دوو‌طه‌ره‌ف موحبیب

ومه‌حبووب

ئه‌ف هه‌ردو جه‌له‌ب کو هه‌ف ببینن کوفوئ د خوه ئه‌ورژ بوّ خوه

بینن

(م، ۲۰۰۸: ۶۸)

آن روز که بود عید از فر و شکوه آن دل  
نوروز افروز

زیرا که غرض ز گشت دخت و پسران به دشت  
برنا تنها

آن بود که طالبان و یعنی دو طرف محب و محبوب  
مطلوب

تا هر دو طرف هم تا هم‌سر و یار  
ببینند برگزینند

(م، ۲۰۱۲، ۴۹)

### ۲.۲.۵ غم غربت

احمد خانی دلتنگی و احساس غربت را جان مایه کلام خود قرار داده و آن را مایه تسکین خاطر می‌داند و با این شیوه و نسق، اعتراض خود را به شرایط موجود عصر بیان می‌-



کند. و این غم و اندوه اش را به بهانه سرودن مثنوی مم و زین ابراز می‌دارد:

شهرحا غمی دل بکم فه‌سانه  
 زینی و مه‌می ژنوقه‌ژینم  
 شرح غم دل کنم  
 زین و مم خود کنم  
 فسانه  
 بهانه

(م، ۲۰۱۲: ۳۷)

خانی آشنا با تاریخ سرزمین و فرهنگ خود، صحنه‌هایی از وقایع و حضور افراد گذشته (مم و زین) را در ذهن خود تجدید خاطر می‌نماید و در حسرت و دلتنگی خود آنها را می‌گنجاند و از اینرو، وقایع و رویدادهای مربوط به دوران گذشته را در خاطر مردم زنده و متجلی می‌کند:

زین ما بته‌نی دگهل غه‌مان جوّت  
 غم لی جقییان ژ بوّ غه‌مان گوّت  
 زین گشته کنون با  
 غم‌ها همه او را او  
 غمش جفت  
 به غم گفت

(م، ۲۰۱۲: ۱۴۷)

## ۲.۳ نوستالژی جمعی

احمد خانی، دلگرفتی‌ها و آزرده‌گی‌های ناشی از محیط و زمان فعلی را در لابه‌لای مثنوی مم و زین گنجانده است. در مثنوی مم زین نوستالژی از زیر بنای عاطفی ویژه‌ای برخوردار است به ویژه نوع اجتماعی آن که شاعر تمام همت و توان خویش را در بیان مشکلات اجتماعی مثل ظلم و جور و ستم و مظلومیت مردم عصرش در لابه‌لای اشعارش به کار می‌گیرد. خانی سعی دارد برای التیام زخم درون جامعه‌اش اشعاری بسراید تا مردم خفته و غفلت زده خویش را بیدار سازد.

### ۲.۳.۱ نوستالژی خاطره قومی (بازگشت به اسطوره)

اساطیر ته‌مانده‌های تغییر شکل یافته تخیلات و امیال اقوام و رؤیاهای متمدنی دوران بشریت در دوران جوانی هستند. (باستید، ۱۳۷۰: ۳۳) و از این جهت می‌توان از مفاهیم مرتبط با نوستالژی به شمار آورد. اسطوره با خاطرات جمعی ملت‌ها پیوند می‌خورد. دلیل پایدار بودن اسطوره‌ها اشتراکات روح بشر در طول تاریخ است؛ زیرا اسطوره دربردارنده آرزوها و رؤیاهای انسان است. احمد خانی در اشعار خویش با یادکرد اسطوره‌ها به تصور خواننده روزگار گذشته یاری می‌رساند. وی با یادآوری اساطیر باستان و حماسه‌های ملی ملت کرد، روزگاران را از پیش را در ذهن مخاطب جاندار می‌سازد. بازگشت نوستالژیک خانی به اسطوره‌های ملت کرد با ذکر نام‌هایی همچون؛ گودرز، رستم، جام‌جم، بیژن و گیو شعر خود را با آنها پیوند می‌زند و روزگار گذشته را برای مخاطب امروز مجسم می‌کند:

هەر میره‌کێ وان بیه ذلی هەر میره‌کێ وان بره‌زمی روستهم  
حاتهم

(م ، ۲۰۰۸ : ۴۴)  
میر و یل کرد همچو شاه‌نشه آنها همچو  
حاتم رستم

(م ، ۲۰۱۲ : ۲۹)  
تاج‌دین د گوتنی جه‌وانه‌ک گۆده‌رزئ زه‌مانه په‌هله‌وانه‌ک

(م ، ۲۰۰۸ : ۶۴)  
تاج‌دین جهان چنان گودرز زمانه ،  
جوانی پهلوانی

(م ، ۲۰۱۲ : ۴۶)  
ساقی تو ژ بو خودی که‌ره‌م که یه‌ک جورعه‌یی مه‌ی د جامی جه‌م  
ک

(م ، ۲۰۰۸ : ۴۲)  
ساقی بیا و به ما یک جرعه می به جام  
کرم کن جم کن

(م ، ۲۰۱۲ : ۲۸)

و علاوه بر آن با نگاهی به عمق فرهنگ و تاریخ ملت مظلوم کرد این موضوع را به شکل وسیع تری در شعر خود پی می‌جوید و شاهکار ادبی مثنوی مم و زین را می‌سراید.

### ۲.۳.۲ نوستالژی عارفانه

می‌توان یکی از مولفه‌های نوستالژی در سروده احمد خانی را «نوستالژی عارفانه» دانست. مثنوی مم و زین به دلیل جدایی عاشق و معشوق و حاکمیت روح دردمندی، قابلیت‌های فراوانی را هم در تاویل پذیری متن و هم در اشارات مستقیم عرفانی داراست. وی داستان مم و زین را پس از ستایش خداوند متعال و مدح پیامبر اکرم (ص)، با ساقی‌نامه آغاز می‌کند. او روح و روان خود را در دنیای صوفیه به گردش درآورده و برای به تصویر کشیدن امیدها و آرزوهای عاشقان و ارسته‌ای که از شراب الهی مست شده‌اند، بسیاری از عبارات مذکور را به کار می‌بندد و این عشق حقیقی پرتو خود را از دل‌باختگی مم و زین می‌گیرد.

ساقی تو بریزه جامی مینا نأقا کو دکه‌ت ضه‌میری بینا  
شاداب بگیره قه‌لبی مه‌حزون مه‌دهوش بگیره عه‌قلی مه‌جنوون

(م ، ۱۹۶۲ : ۳۹)  
ساقی تو بریز به جام آبی که کند ضمیر بینا  
مینا

شاداب بکن، قلب محزون مد هوش بکن ، عقل مجنون

(م، ۲۰۱۲: ۳۵)

البته درونمایه و مضامین عرفانی که مثنوی وی را دربرگرفته، گاه با مضامین اجتماعی زمان شاعر پیوند می‌خورد. حسرت و دلتنگی شاعر برای یافتن فضایی معنوی و دور شدن از چالش‌های زندگی عصر او یکی از مواردی است که مصادیقی را در مثنوی «مم و زین» برای خود به دنبال دارد. روایت «مم و زین» دارای قابلیت‌های زیادی برای تحلیل مفاهیم و صفات صوفیانه است که گاه به طور مستقیم، در بیان خود شاعر و به خصوص از زبان «مم» و «زین»، و گاه به طور غیرمستقیم، در پس سخنان خانی جلوه‌گر می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان روایت مم و زین را بازجست آموزه‌های احمد خانی در تصوف و عرفان تلقی کرد. خانی کوشیده است با بهره‌گیری از امکانات داستانی، آموزه‌های صوفیانه خود را به شکل محسوس‌تری در اختیار مخاطبان قرار دهد، درک مفاهیم تصوف و عرفانی را برای آنان آسان کند و بر اثر بخشی کلام خود بیفزاید. چنانچه ساختار روایی در مثنوی «مم و زین» افزون بر لذت آفرینی در مخاطب، پاره‌ای دقایق و اسرار سلوک بر طریق تصوف و عرفان را عرضه می‌دارد، که با سلوک عارفانه هفت وادی عطار مطابقت دارد. خانی با سرودن این قصه، عشق مجازی را به عشق حقیقی و عشق عرفانی و الهی بدل می‌کند و «مم» را سمبولی از سالک و «زین» را نمادی از معشوق می‌سازد. (جهت اطلاعات بیشتر نک: جیهاد و شیرزاد،) البته یکی دیگر از مبانی نوستالژی در مکتب رمانتیک، «نوستالژی دوری از بهشت و روح ازلی» است. در این حالت شاعر احساس می‌کند از اصل خود دور شده است و مانند یک تبعیدی در این غریبستان زندگی می‌کند. روح که جایگاه معنویت در انسان است به دور از خانه و کاشانه پدری واقعیش در این دنیا زندگی می‌کند. «(سه‌یر و لووی میشل، ۱۳۲: ۱۳۸۳) خانی از این دیدگاه در اثر مم و زین خود توجه خاصی داده است و غربت روح را با توجه به جریان روایت مم و زین به زیبایی به تصویر کشیده است. مم در داستان این عالم را مبتنی بر جهل و نادانی دانته و تصریح می‌کند که پرنده‌ی روح آدمی که در قفس جسم و عالم جسمانی اسیر گشته است، اگر درصدد خلاصی و نجات خویش برنیاید، نشان از جهل و غفلت اوست. از اینرو، در روایت مم و زین، ماجرای غربت و سرگردانی انسان به سبب جدایی او از اصل الهی خویش به زیباترین شکل به تصویر کشیده شده است. «مم» بدون هیچ قصد و غرض مادی به کشش درونی و اتصال روح خود به عالم غیب هدایت می‌شود و با خودشناسی و بازگشت به خود، به یگانگی از کثرت به وحدت می‌رسد:

جان چوو و ب جانی مونتته‌صل بوو      ئەو روح ب روحی موصمه‌حیل بوو  
 هتتا کونه‌بوو ژدهف ته نیقرار      ئەو مایی دحه‌بسی تهن گرفتار

باقی گه‌پیان ب ذاتی زه‌پرآت (م، ۲۰۱۲: ۲۰۵-۲۰۶)	.. وان ری کو برن ب جانبی ذات
روح به روح مضمحل شد	جان رفت و به جان متصل شد
جانان بدید و جان به جان گشت	جانی که ز جسم ما روان گشت
جاودانه شدند به ذات ذرات	بردند چوره به جانی ذات
(م، ۲۰۱۲: ۲۵۶-۲۵۸)	

«مم» دارای معرفت و آگاهی شده و بی تردید روح او دیگر تمایلی به عالم مادی نخواهد داشت و به وطن اصلی خود یعنی عالم نورانی برین متوجه می‌گردد. بنا به اعتقاد مانویان «روح ما ذره‌ای از روشنایی است که در کالبد تیره تن اسیر شده، نی دور افتاده از اصل خویش است و باید به جایگاه اصلی خود بازگردد.» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۲۲۱)

### ۲.۳.۳ رنجش از نفی ارزش‌ها

از بین رفتن ارزش‌های انسانی یکی از مبانی ایجاد حس نوستالژیکی است. احمد خانی شاعری ارزش‌گرا و آرمان‌جوست و در بخش‌های مختلفی از داستان‌ش به این امور می‌پردازد. وی در جست‌وجوی گم شده‌هایی همچون عشق، ایمان، انسانیت و پاکی، وطن دوستی است. در سروده‌های دردمندانه و آرزوجویانه وی، دلتنگی و حسرت‌هایی انعکاس می‌یابد که می‌تواند ریشه در ذهن و فکر انسان هر درمندی باشد. او در باورهای اعتقادی خود دلتنگ رسیدن به ارزش‌هایی است که اکنون از بین رفته‌اند و دچار دنیایی پرنیرنگ شده است. جست‌وجوی گمشده‌ها و آرزوی شاعر با جویی از نوستالژی آمیخته شده است که می‌توان برای هر کدام مصادیقی را دریافت. آرمان و آرزوهای خانی با تصویر سازی ژرفی که ساخته ذهن اوست در اعتراض به وضعیت موجود جامعه پیرامون شاعر و ترسیم دنیایی آرمانی ظهور می‌یابد. احمد خانی نسبت به از بین رفتن ارزش‌هایی همچون محبت و مهربانی، عشق، صمیمیت، ایمان و همدلی اعتراض می‌کند و خواهان رهایی از ضد ارزش‌هاست.

چ بکم کوقه‌وی که‌ساده بازار  
... که‌س ناکه‌ته مه‌یته‌ری خوه

### جامی

وه‌قتی کو‌مه دی زه‌مانه نه‌ف ره‌نگ  
حه زکر مه‌ببینه کیمیا‌گر

اما چه کنمم  
کساده بازار

فیلجوملهل سهر دراقی بوو جه‌نگ  
گا‌قا کو‌مه دی نه‌بوو مویه‌سسهر  
(م، ۲۰۰۸: ۴۷)

نبود به قماش ما  
خریدار

کس قدر "نظامی" را نداند	کس "جامی" به نـوـکری نخواند
دیدم سر یک پیشیز جنگ است	دیدم که زمانه رنگ رنگ است
اما چه کـنـم نشد میسر	خواستم که شوم چو کیمیاگر

(م، ۲۰۱۲: ۳۲)

با این وجود جامعه‌ای که خانی در آن زندگی می‌کند در اثر رذایل اخلاقی و بدل شدن ارزش‌ها به ضد ارزش و رواج یافتن ضد ارزش‌ها، بی‌روح و ملال آور شده است. لذا شاعر این گونه از همه دلمردگی و بی‌طرواتی در رنج است.

### ۲.۳.۴ عشق به زبان و وطن

هر فردی نسبت به وطن خویش دلبستگی ویژه‌ای دارد و برخی نوستالژی را انحصار از «دلتنگی از دوری از میهن و درد دوری از وطن معنی نموده اند». (زمردیان، ۱۳۸۴: ۲۵۴؛ باطنی، ۱۳۷۲: ۱۱۳ و فورست، ۱۳۸۰: ۵۳) سرزمین به خاطر پیوند دادن عواطف انسان‌ها با یکدیگر و نیز به وجود آوردن یک نوح حس مشترک، از قداستی خاص برخوردار بوده است. انسان‌ها سعی می‌کنند خودشان را از طریق یک احساس مکانی تعریف کنند و آن را منشأ هویت خود بدانند (کرانگ، ۱۳۸۳: ۱۴۴) آن گونه که دوری از وطن، رکن اصلی و اساسی نوستالژی را تشکیل می‌دهد. غم نداشتن دولت در احساسات نوستالژیکی احمدخانی نقش محوری را ایفا می‌کند که با خاطره جمعی می‌توان پیوند داد. چنانچه یکی از دلتنگی‌های خانی که بعدی از نوستالژی شعری او واقع می‌شود، جو خفقان و اختناق شدید بر مردمان عصرش و هم چنین ظلم و ستم زیاد آنها بر ملت ستمدیده کرد می‌باشد و بعد دیگر اینکه اندوه از بین رفتن سرزمین اجدادی اوست، سرزمینی که جولانگاه لشکرهای پی در پی دشمنان می‌شود و باعث متلاشی شدن آن می‌شود. احمد خانی با بیانی حسرت آور، اما شکوهمندانه، به میهن خویش عشق می‌ورزد:

بی‌مه‌عریفه‌تن بی‌ئه‌صل و بنیاد کورمانج ته‌ئی دبی‌ حسین (م، ۲۰۰۸: ۴۶)	دا خه‌لق نه‌بیژن کوئه‌کراد ئه‌نوعی میلله‌ل خودان کتیبین
بی‌معرفتند، بی‌اصل و بنیاد	تا خلق نگویدت که اکراد
کرمانج به گیتی بی حسابند	ملت‌ها همه صاحب کتابند

(م، ۲۰۱۲: ۳۱)

مسئله علاقه خانی به وطن، تأثیر آن در عمق وجدان، احساس عاطفی وی و همراهی عاطفه و عمل در عشق وطن و دفاع از آن، جزء طبیعی و جدایی ناپذیر زندگانی او بوده است.

وطن در ضمیر او جاودان باقی می‌ماند و مثلی برای عشق کامل او می‌گردد که در مثنوی گرانسنگش، مم و زین، بازتاب دارد. زیرا وطن، تاریخ و گذشته و حال و آینده وی و ملتش می‌باشد. از اینرو، غم غربت او، غم میهن است، غمی جانکاه از اوضاع آشفته میهن است که با شیفتگی به موطن و پیشینه آن و با رهایی از قید و بندها است و افسوس خویش را بر وطن زیبایش که از دست رفته است، چنین اظهار بیان می‌نماید:

بفکر ژعه‌ره‌ب‌ه‌تا‌قه‌گورجان	کورمانجییه‌بویه، شوبه‌ی بورجان
ئه‌ف روم و عه‌جه‌م ب وان‌ه‌صارن	کورمانج‌ه‌می‌ل چار‌که‌نارن
	(م، ۲۰۰۸: ۴۴)
بین‌عرب و زمین	کورمانج‌شده شبیه
گرچی	برجی
این روم و عجم به آن	کورمانج همه به چار
حصارند	کنارند
	(م، ۲۰۱۲: ۲۹)

با تأمل در اینگونه اشعار، می‌توان دریافت که خانی، شاعری میهن دوست که سعی در حمایت از وطنش را دارد. خانی بارها در شعرش بر غربتش صحنه می‌گذارد و ملت خود را ظلم دیده و غریب و دورافتاده می‌خواند. زیرا انسان آزادی‌خواه و وطن دوست همواره در مقابل دشمن و زورگویی پایداری نموده است و این امر طبیعی است، چرا که انسان به گونه‌ای آفریده شده است که هرگز ظلم و ستم را برنمی‌تابد: «سرشت انسان عدالت خواه و آزادی طلب بدی را برنمی‌تابد. از این رو، ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا، به شکل مختلفی چون اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری و مقابله نشان می‌دهد.» (سنگری، ۱۳۷۷: ۴۶) احمد خانی که در موقعیت ناامیدانه بعد از تجربه‌های پی‌در پی اجتماعی خویش از دوره عثمانی تا روزگار خویش است، تاریخ را تجربه‌ای تلخ و تیره می‌داند که در چاه ظلمت فرو می‌افتد. البته هنگامی که سرزمینی مورد تهاجم بیگانگان قرار می‌گیرد، وظیفه افراد آن ملت است، به گونه‌ای دفاع از حریم وطن خود به پا خیزند و این تکلیف برعهده تمام افراد آن ملت است، به گونه‌ای که وظیفه هیچ کس ساقط نمی‌شود. احمد خانی نیز به عنوان شاعر ماهر و چیره دست در ادبیات کردی، به نوبه خود به انجام این تکلیف پرداخته و با سلاح شعر به مصادف دشمن آمده است و ادای بیان نموده است.

### ۲.۳.۵ عدم رسیدن به آرمان‌ها (نوستالژی قومی)

«حماسه مم و زین» تأکیدی بر عدم رسیدن به آرمان‌های یک ملت است که نگاه تاریخی احمد خانی را برای ما روشن می‌سازد. این نگاه بر دو اصل حسرت و حیرت است؛ حسرت

بر گذشته‌ای درخشان که هبا و هدر شده و افتخار به میراث فرهنگی جاودان که پشتوانه محکمی برای ملت کرد بوده است که با حیرت و افتخاری که در دل خانی موج می‌زند، گرایش شدیدی به داشتن میهن پیدا می‌کند:

نیز مامه د حکمه تا خودیدا	کرمانج دهوله تا دنیدا
نایا بیج وه جهی مانه مه حروم	بیلجومه ژ بوچ بووونه مه حکوم
(م، ۲۰۰۸: ۴۴)	
من مانده به حکمت	کرمانج در این جهان
خداوند	آرامند
آیا از چه روی مانده	بالجمله چراست مات و
محروم	محکوم
	(م، ۲۰۱۲: ۲۹)

احمد خانی به عنوان شاعری از نسل جنگ به خوبی مسئله یوغ استبداد و ظلم و ستم را در شعر خویش بیان کرده است. بنابراین مبارزه و فداکاری در راه وطن، بخشی از وجود او می‌شود. از این رو، در شعر خود فریاد مبارزه با ظلم و دعوت به مبارزه سر می‌دهد و این کار را به هدف تشویق و تهییج مردم علیه ظلم و ستم عثمانی انجام می‌دهد. به همین سبب است که با حیرت سخن از عدم اتحاد و یکپارچگی بین ملت کورد سخن به میان می‌آورد:

ناموسه ل حاکم و ئەمیران	تاوان چپیه شاعیر و فه‌قیران
... گەر دئ هه‌بووا مه	قێکرا بکرا مه ئیتحادهک
ئیتحادهک	

روم و عه‌ره‌ب و عه‌جه‌م ته‌مامی	هه‌میان ژ مه‌را دکر غولامی
ناموس بلاد از امیر	تاوان نه بر من و فقیر
است	است
..گر کرد شود عزیز و	آسان بشود تمام مشکل
همدل	

روم و عرب و عجم تمامی کردند برای ما غلامی (م، ۲۰۱۲: ۲۹-۳۰)

با این وجود می‌توان گفت که سرخوردگی‌های اجتماعی و شکست‌های سیاسی نیز از مهم‌ترین عوامل پدیدآورنده این حس فردی-جمعی است که از هر گوشه و کنار شعله دوگانگی و نفاق و فتنه و فساد در میان ملت کرد زبانه می‌کشید.

### نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل آمده از این پژوهش را می‌توان در چند مورد زیر خاطر نشان کرد؛

- (۱) بازتاب نوستالژی جمعی در اندیشه خانی بسیار پرننگ تر از نوستالژی فردی است به گونه ای که نوستالژی فردی بیشتر به شکل نوستالژی آنی و نوستالژی جمعی هم بیشتر به شکل مستمر جلوه‌گری می‌کند.
- (۲) احمد خانی در مثنوی مم و زین به مثابه آینه‌ای دیگر، بیگانگی کردها با روزگار خود و ناسازگاری با واقعیت حیات را در خود نمایان ساخته و تجلیگاه دیگری برای روایت حسرت و دلتنگی بشری گردیده است.
- (۳) غم نداشتن دولت در احساسات نوستالژیکی احمدخانی نقش محوری را ایفا می‌کند که با خاطره جمعی می‌توان پیوند داد. یکی از دلتنگی‌هایی که بعدی از نوستالژی شعری او واقع می‌شود، اندوه از بین رفتن سرزمین اجدادی اوست، سرزمینی که جولانگاه لشکرهای پی در پی دشمنان می‌شود و باعث متلاشی شدن آن می‌شود.
- (۴) از بین رفتن ارزش‌های انسانی یکی از مبانی ایجاد حس نوستالژیکی در اندیشه احمد خانی است که در بخش‌های مختلفی از داستانش از زبان شخصیت‌های داستانی‌اش به این امور می‌پردازد. جست‌وجوی گمشده‌ها و آرزوی شاعر با جوهی از نوستالژی آمیخته شده است که می‌توان برای هر کدام مصادیقی را دریافت.
- (۵) روایت مم و زین تأکیدی بر عدم رسیدن به آرمان‌های یک ملت است که نگاه تاریخی احمد خانی را برای ما روشن می‌سازد. این نگاه بر دو اصل حسرت و حیرت است؛ حسرت بر گذشته‌ای درخشان که هبا و هدر شده و با حیرت و افتخاری که در دل خانی موج می‌زند، گرایش شدیدی به داشتن میهن پیدا می‌کند.
- (۶) مرگ به عنوان یکی از مؤلفه‌های نوستالژیک در شکل به خصوصی در سخن وی نمود یافته است. چنانچه «مرگ ارادی» یکی از پارادایم‌های فکری خانی است که در کلامش آن را به تصویر کشیده است.



## کتابنامه

- انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگنامه ادبی فارسی؛ گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی، جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگنامه ادب فارسی
- باستید، روژه (۱۳۷۰) دانش اساطیر. ترجمه: جلال ستاری. تهران: توس
- باطنی، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۲). فرهنگ و اژه‌های دخیل اروپایی در فارسی. تهران: فرهنگ معاصر
- خانی، احمد. (۲۰۱۲). مم و زین. ترجمه د. شیرزاد شفیع بارزانی. چ اول. آربیل: انتشارات دانشگاه صلاح الدین
- خانی، احمد (۲۰۰۸). مم و زین، ناماده‌کردن و په‌راویزنووسینی هه‌ژار، چاپی دووهم، هه‌ولیر: ئاراس
- دستغیب، عبد‌العلی (۱۳۷۳). نگاهی به مهدی اخوان ثالث، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید
- زمردیان، رضا (۱۳۸۴)، فرهنگ ریشه‌شناختی واژه‌ها و کونا نوشته‌های دخیل اروپایی و آمریکایی در فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی
- سنگری، محمدرضا (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری (پایداری)». نامه پژوهش. سال سوم. شماره ۹. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی
- سه‌یر، رابرت و لووی، میشل (۱۳۸۳). رومان‌تیسیم و تفکر اجتماعی. «ارغنون». شماره ۲. تهران: انتشارات سازمان چاپ
- شاملو، سعید (۱۳۷۵)، آسیب‌شناسی روانی، چ ششم، تهران: رشد
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۶). بررسی فرایند نوستالژی در اشعار سهراب سپهری، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، صص ۵۱-۷۲
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۹). روانشناسی درد در اشعار نادر نادپور، نشریه ادب و زبان. دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ۲۷، صص ۲۲۶-۲۰۷
- عباسی، محمود؛ و فولادی، یعقوب (۱۳۹۲). «بررسی نوستالژی در شعر منوچهر آتشی». ادبیات پارسی معاصر. سال ۲. شماره ۲. صص ۴۳-۷۳
- فورست، لیلیان (۱۳۸۰)، رمان‌تیسیم، ترجمه مسعود جعفری جزی، تهران: مرکز.
- کرانک، مایک (۱۳۸۳). جغرافیای فرهنگی، ترجمه مسعود مهدی قرخلو، تهران: سمت

▪ مختاری، محمد (۱۳۷۷)، هفتاد سال عاشقانه ها، تهران: تیراژ

- Hombey, A.S(2003). Oxford Advanced Learners Dictionary. Oxford University Press.

## سیما نوستالژیی‌هاکان له گیڤانه‌وهی "مهم و زین"ی ئەحمەدی خانیدا

### پوخته

یه‌کێک له رێکاره گونجاو و سودمه‌نده‌کان بو ئاشنا بوونی زیاتر له‌گه‌ڵ شاعیران، تاوتویکردنی هۆنراوه‌کانه له روانگه‌یه‌کی نوستالژییانه‌وه. له‌م وتاره‌دا، له‌گه‌ڵ روخساری شاعیرانه‌ی ئەحمەدی خان‌ی له پرون‌گه‌ی نوستالژییانه‌وه ئاشنا ده‌بین. خان‌ی له به‌ره‌مه‌ به‌نرخه‌که‌یدا، هه‌ندیک جار راسته‌وخۆ و هه‌ندیک جاریش ناراسته‌وخۆ، له زمان که‌سایه‌تییه‌کانی چیرۆکه‌که‌یه‌وه روانگه‌ مرۆیی و کۆمه‌لایه‌تییه‌که‌ی ده‌رده‌برێت و به چاوپۆشی له "منی تاکه‌که‌سی" ده‌روانیته "منه کۆمه‌لایه‌تی"یه‌که‌ی و له‌لایه‌ک، له‌به‌ر ئه‌و ئاگاییه قوول‌ه‌ی له که‌لتوور و زمانی کوردی هه‌یه‌تی و له‌لایه‌کی دیکه‌وه، له‌به‌ر توانایی و زه‌وقی هونه‌ری ده‌توانی بیر و تیگه‌یشتنی قوولی خۆی له ده‌ربهرینیکی دلنشین و پاراودا، به‌شیوه‌یه‌کی کارتیکه‌رانه بخاته‌روو که شیوه و په‌هه‌نده‌کانی ده‌رده‌ندی، حسه‌ره‌ت و دلپه‌روشی شیعریی خۆی پێشان بدات. گرنگترین ده‌سکه‌وته‌کانی ئەم توێژنه‌وه‌یه ناسینی هۆکاره کاریگه‌ره جو‌راوجۆره‌کان له‌سه‌ر بیر و زه‌ینی شاعیر له روانگه‌یه‌کی نوستالژیکیانه‌ی خان‌ی له هۆنراوه‌ی مهم و زیندا "دایه به ئاماژه به نمونه‌وه شیعرییه‌کانی.

**وشه سه‌ره‌کییه‌کان:** نوستالژی، مهم و زین، ئەحمەدی خان‌ی، نوستالژی تاکه‌که‌سی، نوستالژی میژوویی و نوستالژی کۆیی.

### Abstract

One of effective and useful ways to be more familiarized with the works of the poets is to investigate their poems with a nostalgic approach. Ahmad Khani as a poet from a nostalgic perspective will be studied in this research. The poet in his famous book of *Mam and Zin*, sometimes directly and sometimes indirectly speaks instead of his characters from a humane and social viewpoint and by outlaying the personal self he reaches the social self. Khani because of his deep knowledge about Kurdish language and culture in addition to his poetic talent is able to present his thoughts and perceptions in a lovely and effective way. He is very skilful to illustrate the dimensions of suffering, regret, nostalgia in his poetry. The main achievement of this research is identifying the various factors which had influenced the mind of poet in a nostalgic approach in the poetic epic of *Mam and Zin* by mentioning the samples from epic.

**Key Words:** nostalgia, Mam and Zin, Ahmad Khani, Individual memorial nostalgia, mass memorial nostalgia.